

## کارکرد رنگ سپید در اشعار خاقانی

مجتبی اصغر نسب<sup>۱</sup>، محمد پاشایی مهترلو<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

### چکیده

عنصر رنگ به عنوان یکی از عناصر دیداری، جایگاه برجسته‌ای در خلق آثار هنری دارد. تاثیرگذاری این پدیده بر مخاطب، موجب شده است تا شاعران با استفاده از قابلیت‌ها و ویژگی تأویل‌پذیری آن، تصاویر شعری بدیعی خلق کنند. آنچه در آثار ادبی زمینه را برای بحث در این زمینه فراهم می‌سازد، مفاهیم نمادینی است که رنگ‌ها به خود می‌گیرند، امری که گاه این آثار را در لایه‌ای از ابهام قرار می‌دهد و دقت و تحلیل عمیق مخاطب را از اثر می‌طلبد. شاعران برای انتخاب رنگ به عوامل متعددی توجه دارند که از جمله آنها می‌توان به مسائل زیبایی‌شناختی، حالات روحی و روانی شاعر، محیط جغرافیایی، عوامل فرهنگی و نظیر آن اشاره کرد. عنصر رنگ کارکرد ویژه‌ای در اشعار خاقانی دارد. او با استفاده از رنگ‌ها واژه‌ها ترکیبات و مضامین شاعرانه‌ای را پدید آورده است که تأمل در بسامد و کارکرد آنها ابعادی جدید از شخصیت روانی او را برای محققان مشخص خواهد نمود. در پژوهش حاضر سعی می‌شود تا با استفاده از قواعد رنگ‌شناسی، کارکرد رنگ سفید در دیوان خاقانی مورد بررسی قرار گیرد. رنگ سفید در دیوان خاقانی از پرکاربردترین رنگ‌هاست که دلالت‌های معنایی متفاوت و گاه متناقضی دارد. این رنگ همراه با متعلقاتش حدود ۱۶۰ بار در دیوان خاقانی به کار رفته است. این رنگ اغلب با واژه «سپید» و در مواردی با واژه‌ها و ترکیبات بیضا، یمانی، روم، نقره‌خنگ، ردای صبح، لباس احرام، آئینه سیما، کافوری، کبوتر فام و... بیان شده است.

**واژگان کلیدی:** روان‌شناسی رنگ، خاقانی، رنگ سفید، ردای صبح، معنای متناقض.